

آخرین دقیقه - مجلس ملی فرمان مصلحتی کفری کرمش را در جنوب دویو اعلام داشت

آرتش سرخ به ۸۰ کیلو متری لفوف رسید

آرتش سرخ اینک برود دنیتر رسیده است. در جهت لفوف در عرض یکروز ۲۵ کیلومتر پیش رفته و شهر باراجین را در ۸۰ کیلو متری لفوف تصرف کرده چنگ شدید در حومه نیکلاب در گرفته است. پس از آنکه برروز ۱۷۵۰ هواپیمای متفقین حمله سختی بر مواضع مهم جنوب آلمان برده پربش باز بر فرانکفورت و بر ژره در نزدیک برود که کارخانه مواد مخدره دارد حمله برده بیازان ننوده.

آخرین خبرهای دویو

درجه بندی

جهت حرکت



ارکان گزینی حزب دویو

این روزنامه توسط هیئت تحریریه اداره میشود

تبریک بملت ایران

کریه ملت ایران، مجبور است که باز هم در حراست سختی، عدلی و باستانی خود را استقبال کند، ولی ما از لحاظ امیتی که باید بشمار ملی خودمان بسیم، ناگزیریم که در این ایام سخت نیز، بیویکت سببانه خود را بملت ایران تقدیم داریم. البته مقصود از لفظ «عشای ملی» نژات و لطافات کسی نیست نه سبب تمام این سختیا و بدبختیا گردید و سالها آزادی و خوشی را از ملت ایران دور ساخت از عوامل پشتیبان او و کسان دیگری که در ذخیره ارتجاع هستند، خودشان بسوی واقفند که هنگام اجداد ملی در روی غنایهای مصنوعی میلیون ها نفر ایرانی چه درد و شکنجه ای نهفته است! کسانی که سال ها این ملت تیره روز را بطنین گوناگون چاییدن در خفت چمن اعیاد باستانی و ملی ایران را بر خود و خانواده های خویش تخصیص داده اند، آنها را در وقت و روزی خودشان نماندند که در ایام عید نوروز، هزاران هزار کردک دعاتی و کارگر و پشه رویی چیز ایرانی از دین مهلکان نوبوش خود چگونه حسرت بپوشد آنها میداند و بروی خودشان من آرزو کند که هزاران هزار پسر و خانم فقیر و بی چیز ایرانی دوچه حراست سختی مجبورند که برای اطفال حسرت زده خود لباسی از بیت تهیه کنند و این لباس، اولین و آخرین لباس آنها در سال عید خواهد بود. این تفاوت فاحش زندگی، که بخصوص در ایام عید مشهود است تا یکی ندارد. سالهاست که با خفت و عنت بیشتری تاریخ ایران ناظر این احوال و تفریط غیر عادلانه و ارتجعی است. منتها در ایام چنگ یا بهتر بگویم پس از شهریور ۱۳۲۰ بطل عدم بهبود اوضاع اقتصادی ایران و استغناء های نامشروعی که یکسره مسدود از چنگ کرده اند، این تلافی بازتر و آشکارتر شده است.

مگر آنکه مادل خود را با خواندن اشعار گذشتگان و یا دیدن «چال طبیعت» خوش کنیم. و الا این عید، فقط برای کسانی واقعا عید است که افلا تواترند رسوم گذشته را که برای امروز بسیار گران تمام می شود علی کنند. برای کسانی که جهت خریدن متر پارچه، باید چندین ساعت آگهی باشند. برای کسانی که خوراک ماهی آنها با اندازه بیای یک نهار متوسط نیست. برای کشاورزانیکه حتی هنگام عید هم باید با کفش جای صرف کنند ولی برای ارباب خود هر طور که شده - با قند تهیه کنند و پیشکش بپزند. نه برای اجراء کم رتبه ادارات و سرایان و اسرمان جبه ارتش که سری غیر از حقوق ناچیز خود ندارند. هر و بررسی بیشتری در زندگی ملت ایران مارا بهمان اندازه که در ایام عید نوروز از دیدن این ضلالت ها سگین میبوشم مناز می کند. بخصوص که واقعات سال گذشته را با توفقات ملت و مواجید دولت وقت دهیم. بخصوص که حلیات زیر پرده ارتجاع را در سال گذشته دونظر خود مجسم کنیم. یکسال پیش قاصدین فلسطین، برای مازینه چینی می کردند. روزنامه ما از آن موقع بیحد عروقت که دست و پا زدن دشمنان ملت ایران بارز تر میشد کشان را سرزنس می کردیم. ما در این یک سال ناظر چه وقایعی که نشدیم!

سال گذشته مجلس سیزدهم جای خود را ب مجلس چهاردهم بخشید ولی این عمل باین سادگی هم صورت نگرفت. عده ای از این راه میلیونها بیچیز زدند و آبروی ملتی درازین کبودار بر باد میرفت، عده ای با پنداران های پر، بسوی نیک دنیا میشتافتند و هزاران هزار نفر به نیستی و بیچارگی کشانده میشدند. قانون مالیات پر درآمد زمان چنگ مثله شد و اجراء آنها باول فروردین ۱۳۳۲ موکول گردید. در حالیکه هنوز هم عده ای این قانون را «پرای اقتصاد کشور» مضر میدانند...

قضاوت یک سر در باره حزب ما

ستاد ارتش بیچارگان

هنوز ملین میجان آورو شورونگیز آخرین جلات لطق پراز حایق نه اکار نمانده بصوب کارگران اصفهان در مسوولیه کوچک ولی بر اقتضای کلوب مرکزی حارب توده ایران گوش ما را نوازش میداد.

در دستکار باشی، باشامت باشید دوستی و شیمات شایر قدرت تربیت اسلحه است که دشمنان را از پای در آورده و یا بود خواند ساخت...

هنوز جلاتی که در طی آنها نه اکار بکارگران درس میدادی و دفاع از حق حیات میداد، مراحت نفوذ خویش گرفته بود. پیش خود آرزوهای کارگرانی را که حارب توده ایران در راه اجراء عملی ساختن آنها میجهدت منیاید و حیات شیرین روزندگی دلگشایی را که باید بکارگران ما بدهان برسد، مجسم ننوده لفظه ای در حال امید و سرور و بس میبرد - ناگهان در این موقع جوانی کارگر با قبایله ای که از آن نور امید بآید که پیروزی خود، بی تایدین که با لباس سرپازی در گوشه ای ایستاده غرق تفکر بودم، تردید شده با لحنی محبت آمیز گفت:

«اوه امرگوشام اینجامده اید! آری اینجا ستاد ارتش بیچارگان است گاهگاهی با نیجا سربزید...»

آری وجودیکه جوان در کلوب یک حارب چنان با چشمه ساری موجی تنبیه میشود. چرا!

برای اینکه ارتش ما همواره خود را غیر از افراد ملت معرفی کرده - آیین نامه ها و مقرراتی که در ارتش ما حکمفرما است سر بازان را از حضور در این گونه مراکز مناعت منیاید. چرا اینگونه فرمول های بوسیه سابق که سرباز باید در مسائل مربوط بسروشت خود و کشورش دخالت نماید از قوانین، حذف نمی شود؟

چرا ارتش بوسال مصنوعی و از راه اجبار و ابیاد و خشت باید افراد خود را از ملت منک سخته و آنا را از بیوسن به پستی که آئینده خود را خانواده ها و میهنشان بسته بدانت، جلو گیری می کنند؟

ستاد ارتش بیچارگان» باید با

امروز نخستین سال مبارزه سازمان جوانان توده ایران پایان میبیرد و فردا که جهان جوان میشود، سازمان نوزاد جوانان ما نیز با بدومین مرحله حیات بر افتار خویش میگذارد.

در این مدت قلیل، سازمان جوانان توده ایران، جوانان بسیاری را بین سنین ۱۵ تا ۲۰ سالگی تحت پرچم آزادی و دموکراسی خود متشکل ساخته و با آنها دوس مبارزه بر علیه ارتجاع داده است.

اکنون سازمان جوانان در اکثر نقاط ایران تشکیلات دارد و روز بروز رو بسوسه میرود. روز نامه های چاپی و دیواری و آثار فرهنگی و هنری این سازمان خود معرف هدنیست که باید تمام جوانان آزادیخواه بدان ناظر شوند.

در اغلب شهرها این سازمان نشیبه، کلاس اکابر، انجمن شایب و موزیک، انجمن علمی و غیره و دادر شارش اینست:

«کار، فرهنگ، آسایش، نان، آزادی، برای همه!»

آغاز دومین سال تشکیل سازمان جوانان توده ایران

امروز نخستین سال مبارزه سازمان جوانان توده ایران پایان میبیرد و فردا که جهان جوان میشود، سازمان نوزاد جوانان ما نیز با بدومین مرحله حیات بر افتار خویش میگذارد.

در این مدت قلیل، سازمان جوانان توده ایران، جوانان بسیاری را بین سنین ۱۵ تا ۲۰ سالگی تحت پرچم آزادی و دموکراسی خود متشکل ساخته و با آنها دوس مبارزه بر علیه ارتجاع داده است.

اکنون سازمان جوانان در اکثر نقاط ایران تشکیلات دارد و روز بروز رو بسوسه میرود. روز نامه های چاپی و دیواری و آثار فرهنگی و هنری این سازمان خود معرف هدنیست که باید تمام جوانان آزادیخواه بدان ناظر شوند.

در اغلب شهرها این سازمان نشیبه، کلاس اکابر، انجمن شایب و موزیک، انجمن علمی و غیره و دادر شارش اینست:

«کار، فرهنگ، آسایش، نان، آزادی، برای همه!»

امید است که این سازمان نو بنیاد در بر تو میجهدت اعضاء کنونی و باری تمام جوانان این آب و خاک در سالهای آئینده گامهای پر گزینی بردارد و به هدف خود که آزادی و استقلال و زندگی آمیخته با کار و تشویق و الهادی است نزدیکتر شود.

دردود بهر حالیکه در این سازمان فعالیت میکنند! نهرموند باد روح جوانان دموکرات را استقلال طلب ما!

مجلس خصوصی

دیروز سه نفر از نمایندگان فراکسیونها در کاخ وزارت امور خارجه با آقای ساعد ملاقات و بایشان تذکر دادند که در مجلس در انتخاب اعضای کابینه نظر مصومونی ندارند و ایستاد آزادی که اعضای کابینه خود را انتخاب کنند. در تظیب این امر آقای ساعد با رئیس مجلس ملاقات و اظهار کردند که در نظر دارند دولت خود را از اعضای کابینه سابق باستانی و زراری پشه و هنر و دادگستری تشکیل دهند در صورت موافقت مجلس دولت خود را فوراً به مجلس معرفی نمایند سپس جلسه خصوصی تشکیل گردید با جلسه علمی مخالفت شده و پس از استحضار از نظر پات آقای ساعد اکثریت با این امر مخالف بودند.

و نظریات مختلفی وجود داشت بالاخره پس از مذاکرات زیاد تصمیم گرفته شد که با آقای ساعد اطلاع داده شود فعلاً از اقدام قطعی خودداری کنند تا تصمیم مجلس قطعی میشود. پس از ختم جلسه خصوصی فراکسیونها تشکیل شدند تا نمایندگان خود را تعیین نمایند.

عزای عید

مکو که گوته زرد تو از چه کلکون است! بین چگونگی دل و دبد ام بر از خون است! بکوه و دشت اگر سر نهاده ایم چه باک! در آن مقام که لیلی ز صهه میجون است! بگو بظالم خود سر چنین مغرور ایست! که آه نیه شبی بدتر از هیبون است تو خنده می کنی و غافلگی که طفل تپیم دوچار گسریه و شیون ز بخت وارون است دور آن دیار که دارنده خلق مایم عید ز خون خلق حنا بسته ای! مبارک باد!

ز انتقام ترس، این فسانه - انسون است! شد آرزوهای که بیچارگان میسی گفتند که رنج و سختی ما از جای گردون است ز چنگ ملت ایستاد و جانت بدتر ببرد شیر و خانی اگر هائی است و گر بدون است ز شمر من بغان شد روان عشقی گفت!

ز زبان سرخ زبان نیست، بیریق خون است!

رعد امروز و کارگران تهران

روزنامه رعد امروز در مقاله های دراز و توغالی خود، که زیر عنوان درخت و زنده ای منتشر میشود، درباره قضایای ۱۷ و ۱۸ اسفند توهمین نسبت با زاجو امان و کارگران را بجای رسانده است که همه را «چاقو کش» «لات» و «ارباش» میخواند.

این روزنامه مسخره شده و میخواند همین کارگران را که چوئل او «مخصوصاً با کامیون های دولتی نوی میدان بهارستان پیاده شده اند» در ضمن لات و رذل (۱) هم میخواند.

اینجاست که حوام فریبی دستم طرقدار سید به بن بست میرسد! از یک طرف میخواهند عملی را که هرگز انجام ننگرفته اند بگویند که دولت در ابراز تفرق نسبت به سیدضیاء دخیل بوده و کارگران را بیدانه بهارستان فرستاده است!

از طرف دیگر این «کارگران» را لات و مزدور لقب میدهند! با این حال ما تا گزیریم که اولاً مسئله کیک دولت بملت را در روزهای ۱۷ و ۱۸ اسفند تکذیب کنیم. زیرا بجای کامیون های دولتی که طرفداران سید میگویند اتومبیلهای آب پاشی و تانک و سرنیزه دولتی بود که مردم را باخشونت آماج ترنن وجهی تهدید میکرد.

تایماً اگر در میان این مردم شمشکین اگر کارگر ویا حله ای هم بود و فریاد کرده باد سید ضیاء الدین» میکشید منافع ملی و صفتی خود را از استقرار رژیم فمال مایشایی سید ضیاء در خطر میدید. لازم نیست دولت به کارگران بگوید که حکومت سید ضیاء معافان منافع شاست. خوشبختانه کارگران ایران این مطلب را نفهیده اند و دلیل بارزش نیرو احساسات چندین هزار نفر کارگران اصفهان و چندین ده هزار نفر کارگران و کشاورزان شهرستانهای دیگر است، همان کارگرانی که رعد امروز آنها را «لات و رذل» می خواند.

عدم توازن ملکات عقلیه!

خوانندگان ما میدانند که روزنامه رعد امروز در جریان قرائت آراء تهران و حومه آراء صندوق لوانان را حقیقی نمیدانست و فقط آراء و حائزین اکثریت تهران را مینوشت. ولی اکنون که حساب او غلط در آمده و ظاهراً از تصمیم شعبه یک مجلس راضی نیست در شماره دروز خود مینویسد: «... اگر تصور شود که نمیتواند آراء لوانان را حذف کند و دوازده نفر اول را بدون آراء لوانان و کیل تهران بداند اشتباه بزرگی است!» بخوانید و قضاوت کنید!

آکهی حزبی

از کلیه اعضاء، کسیون های فرعی تشکیلات دعوت میشود که روز یکشنبه ۱۳۳۲/۱۲/۲۸ ساعت ۶ بعد از ظهر در کلوب مرکزی حزب حضور بپرسانند

کسیون تشکیلات تهران



روزنامه بعد امروز ناشر افکار سید ضیاء الدین امروز برای اینکه سنگ تفرقه بین آزادی خواهان و معاند مخالف این هست ارتجاع و استبداد بیندازد همان شیوه ای را در پیش گرفته که امثال آن در صحنه های بسیار وسیع تر و مهتری در جریان سیاست بین المللی تقبیح میشود.

روزنامه زاهد امروز با سفسطه و مقلطه میکوشد با ترفیع این روش مسخره آمیز، با تضح و نازما، با میاهو و جنجال در پیشرفت سیاسی که بیست سال پانزده ملیون نفوس ایزران را سال بردگی افکند عامل موفقی باشد خدای مهربان روزی از نمدی که امینوار است در کارخانه سید ضیاء الدین یافته میشود کلامی بدست آورد.

این روش سفسطه و ترفیع با ماجر احوایه را هم امروز مثال محور بر علیه متفکرین بکار نمیرد و با هزار ها عنوان مسخره و متفضح سعی میکنند مثلا روسیه را از امریکای انگلستان را از ژوزفیه و هسه را از هم جدا کنند تا بتوانند با یکبارگی آنها نبرد بدهند و هم در بیست سال پیش همین قائد عظیم الشان همین یکباره منجی! همین رهبر ملی! و این از وی رضاخان سردار سیه با همین روش ملتی را فریب و بر لب پرتگاه بنستی قرار دادند.

سید ضیاء الدین برای پیشرفت یک اصول ارتجاعي دامنه دار که گوشه آن اینترنا هم گرفتار بود کودتا کرد بر علیه قانون اساسی قیام نمود؛ و چون مردی فوق العاده ریاضکار و پشت هم انداز و عوام فریب بود در ضمن گرفتار ساختن آزادی خواهان و پیش قدمان راه اصلاح و ترقی معهودی هم از رجال بدنام را گرفتار ساخت و در حبس و زندان افکند و شالوده زندان معتدلی و سایر دؤخیمان شهریانی بدست آورد شد و او بود که اولین درس تجاؤز و بیعت و انامیس مردم را برضا خانو عالی او یاد داد و قیامانه که در این کشور میتوان مردان را حبس و زنجیر کرد، بزندان افکند، و حتی نواز ساختن بودند اینکه آب از آب تکلف بخورد!

بعد از آنهم چون این منجی عظیم الشان دواثر نظامی که در خود معاندان ارتجاعي خانجایی راجع با او با شخص دیگری که مینابیت بیبای او کودتا کرده باشد رویداد ناگزیر پای بگریز نهاد رضا خان بیابش نیست ولی او نیز که درس ضیاالدین فرا گرفته بود با همان شیوه و با همان ماضک وارد حرسه گردید. بهلوی وقتی زقب خود را از سر که خارج نمود برای اغفال مردم چه کرد!

هم در قلمرو دین و هم دولتیرو سیاست منتهای عوام فریبی را به کار برد

در روز های قتل و هزاداری با پای یاده جلو دست سینه زن ها میانفاد؛ سینه را چاک میزد، خاک و که بر سر میریخت، مجلس ترین مجالس روضه خوانی را بر پا میکرد؛

برای ادای نیاز جماعت حاضری شد، تظاهری بدین داری میکرد، در

### پلم یکی از نویسندگان روزنامه فحاشی رعد امروز همان تقشبی را بعهده گرفته است که روزنامه های مداح قائد عظیم الشان بیست سال عهده دار بودند

### بزرگترین خطر خائنین وعوامل استبداد وعناصر ارتجاعي آنست که ماسک خدمت و آزادی و ترقی بر چهره میزنند و شیطان همیشه بشکل فرشته جلوه میکند.

میکند ما را میست، وصال او در شهرت ناپا اعلان میگردد که در پیشگاه خدا اسباب شرمندگی است که در یک جامه اسلامی اذان صبح و ظهر و عصر صدای موزین بگوش برسد، امری کردند مردم باید برای ادای فریضه مذهبی بر یکدیگر سبقت جویند!

در قلمرو سیاست نیز همین شیوه را در پیش گرفت؛ بمعادل آزاد بخواه امروز بیوست؛ با عهده ای از رجال فاسد شروع مبارزه کرد؛ تظاهر بوطن خواهی نمود؛ موافقت آزاد بخواهان را برای ایجاد قدرت مرکزی و استقرار امنیت بدست آورد.

نوده مردم او را حامی دین و مروج اسلام و آزادی خواهان او را مظالم آملهای و ایدئلی سیاسی خود میدانند. همه متدرجا باوس سیر شدند. ملت باو اعتماد کرده

### خاطر برجسته و آرزوخواه چنان اغفال شدند که شروع بصحابت از او کردند.

نتیجه صحابت آنها چه بود؟ رضاخان قدرت مرکزی بیمانندی که در تمام تاریخ ایران تالی و نظیر نداشت بدست آورد و بعضی اینکه قدرت را در دست گرفت و دید دیگر هیچ مدلی از آزادی خواهی را با او یاری مقاومت نیست طینت اصلی خود را افکار ساخت؛ حربه ای که برای سرکوبی اشرار واقعی بدست او داده شده بود راست و مستقیم در قلب آزاد بخواهان جای گرفت. قدرتی که برای ترقی و صافی ملی بوی تفریق گردیده بود برای اختناق افکار و ویرانی و انهدام ملت و تبدیل نوده ای کثیر مردم بکار رفت شایر دارد. بیایه های اولی این قاندهظیم-اشانات را بخوانید. مثل اینست که یکی از اولیای دین و یکی از بزرگترین مصلحین با شما سخن میگوید!

بهلوی حتی در بیبوسه قدرت و دیکتاتوری هم هیچگاه تظاهر بظلاف قانون و تجاؤز نکرد. اگر میخواست همه امال کسی را بر باریه شکل قانونی بان میداد و معرفی نیت او در این قسمت عمال اداره کل ثبت بودند. اگر میخواست برای بسط اقتدار خود متفکرین معملی را از میان بردارد پای امنیت عمومی راه میان میکشید و صلاح جنگ او ارتش بود اگر میخواست آزادی خواهان را مسموم کنونوبه بر روزنامه های مزدور و سخن سراپان پرورش افکار میرسید و آنها بنام حکومت ملی بنام قانون اساسی بنام رفاهم آسایش عمومی شروع بریزه خوانی

### گوشه ای از تاریخ کشور «یک بام و دو هوا»

### داستان شهریار

### گیس دار

بقیه از شماره پیش

«این ملل کاری کرده که بگنوم طوفونی نیادش ره بیاد بده» بالاخره همین طور هم شد. و چون بدیهای ملل گیسدار خیلی زیاد بود تقریباً کتابچه تماماً با خط و املای مخالف که آلا نواسته شامیخون (مردم جابجا شدن و بیشتر مامو مربوط گوش میدادن)

عرش امالی - رونوشت منقح، میز انداز میز حساب - بیست و پنجسال پیش، اینجابان، مامور مراقبت و یادداشت احوال شهریار گیسدار پادشاه مطلق المنان کشور «یک بام و دو هوا» شدید

(مردم بانسج، یک باور دو هوا) در این کشور هر کسی که میومد و عوام فریب میکرد، پیش میرد - اغلب بنده و همو سید او میشدند خاصه که باثباتی ای غیر از آدمیراد میومد. مثلاً ملاک شیخی بیس میگذاشت و جلالی غیر معطل میگفت و پیشنهاد های عجیب و غریبی میکرد.

خورد که کودتای اول این منجی و حکومت خلف و چانشین ارجمند او از آن آب میخورد.

امروز هم باز سید ضیاء الدین و مرید حلقه بگوش او یعنی مظفر فیروز با همان ماسک قدیم که ملت ایران کاملاً با آن آشنایی دارد وارد صحنه گردیده اند. خیابان و ریای کاری بنظر آنها برنده ترین حربه است که آنرا با سوهان و جویگری رسوای خود تیز میکنند. بعین جهت یکی از مریدان سید در لفظه ای که یکی از آزادی خواهان میکشیدند ناله میزدند و میخواندند: «ما را با سوهان و ریای کارش از خود بدستان از هر منطقی کوتاه میشد حربه تکلف پیش میکشیدند پای شاه را بیان آورده و فریاد بر میآورد که ماشا خدا مومن را دوست داریم و آنگاه روز نامه رعد امروز ناشر رسمی افکار سید ضیاء الدین در کجا قرار میگذاشتند تا بهیچانید و پایه مدافعه و ایالات از روزنامه های ناشر رسمی افکار سید ضیاء الدین در میکشیدند پای شاه را بیان آورده و فریاد بر میآورد که ماشا خدا مومن را دوست داریم و آنگاه روز نامه رعد امروز

شما برادر ایبه تمام انتشاراتی را که در مدت معاکه پنجاه و سه نفر بین مردم منتشر میشد نوشته های روزنامه های آن روزگار و آهست آهست ادعاهان ما را که مزدوران رضاخان تهیه دیده بودند بشوایت تا ببنیه چگونه در تمام طول تاریخ ترور و آدم کشی و اختناق افکار جامه صلاح ملیت و آزادی پوشیده است.

همین پنجاه و سه نفری که امروز داستان معاکه آنها بر سر زبانها افتاده، و حتی روزنامه رعد امروز هم از ترس عاید عیسی تلگراف تظاهر بطنلعلدی از آنها میکند آن روزها اشعری خانگی کسانی که بر علیه حکومت ملی قیام کرده بودند، عناصری که وجودشان برای ملت و مملکت زیات بخش بود بتمام میآید نوروزنامه های آن روز معسکویت آنها را بزنله فتح و غلبه حق بر باطل و ظن پرستی و ملیت پر خبیات صلاح بر معاد بلام آوردند و همانگونه که رعد امروز موفقیت تنگین سید ضیاء الدین را مستجاب و از بزرگترین فتح آزادی و وطن پرستی و حق و عدالت، بخوانید و ادعا میکنند که با تصور اعتبار نامه سید ضیاء الدین دشمنان ایران بر خود لرزیدند روزنامه های آن روز هم ترور و وحشت آن روزها قدرت و عظمت ایران نام نهداده و مدعی بودند که با مکتوبیت پنجاه و سه نفر دشمنان ایران نیست و نا بود شده!

ولی امروز چنانکه اشاره کردیم طی روزنامه رعد امروز سنک طرفه افری آن بیهوده مان راه آزادی را بپسته میزنند و خواهان مجازات دؤخیانی است که دکتر ارانی را از میان برداشت و ملت ایران را بزرگترین ضایعه ای در تاریخ معاصر دچار ساختند.

شیوه رعد امروز در مورد اظهار علاقه ای که بازادی خواهان میکنند، چه از لحاظ بفره درانی هائی که تمام آزادی مینمایند، چه از لحاظ شیوه ای که برای تیره مرادو مفتدای عظیم الشان خود یعنی سید ضیاء الدین بکار میبرد همان شیوه روزنامه های او اول دوران بهلوی را ایفای میکند!

اینجه تظاهری اینجه عوام فریبی و ریابکاری و اینجه مطالب متضخ وضو فضی که در روزنامه رعد امروز مشاهده میشود همه از همان سر چشه آب می

دشمنان خارجی این کشور «یک بام و دو هوا» هم، کف دست این مردمون از همه جای بی خبر و خواننده بودن، تا اونکه چند روز قبل از اینکه گاو شسته بینه و زمین رو شاخ بشاخ بکنه مردی ره گیر آوردن که همه خصال عوام فریبی در او جمع بود. و با اونکه سابقه خیانت بوطن داشت، آورده بزور باین ملت تحمیل کردن. زیرا مردم بهساقیت ا «یک بام و دو هوا» عادت کرده بودن.

این مرد عوام فریب هم برای اینکه این عادت زو تند تر بکنه، پیشنهاد کرده بود، که غوغیه هاره بایه زیر زمین بسازیم. تا باهمای واقعا دو هوا پیدا بکنن، یکی هوای روی سلف آسانی و دیگری هوای زیر «سلف زمینی» (مردم، عجب!) این مرد که کلاه پوست بیس میگذاشت و موهای جو گندمی خودش ره گذاشته بود بلند بچه، در مقابل چشم همه روز بروز بنصاب عالیتری گاشته میشد.

عده ای هم دور او را گرفته بودن و هرچه میگفت و هرکار که میکرد آفرین آفرین میگفتن

بعینه این جانب «رعد آیل» که مامور یادداشت معائن این مرد گیسدار بودم، تنها خصلت خوب او این بود که اغلب احوال گذشته خودش ره اعتراض میکرد، مثلاً یک روز در مجلس شورای این کفوردگت که، «من معال میباشم بوده ام» - با این حال عده ای برای او کف کردن و او ره قهرمان حریت خواندن، دشمنان این ملت هم خاد می شدن و می لهیبند که هنوز زمینه برای ترکانزی اونجا مهیاست.

باین ترتیب، این مرد گیسدار، شهریار شد. مورخین حکو کشته شدن، دارها پیافه، متعلقین دور او ره گرفتن و بیاشی دو «مخو تیزم

# ارتش سرخ

## بقیه از شماره پیش

جوانانیکه امروز در کتوشوروری داخل نظام میشوند همگی با سواد بوده و اغلب دارای تحصیلات متوسطه و یا عالی میباشند. در سیه سال ۱۹۴۰ از میان جوانانیکه برای انجام خدمت سربازی نام نویسی کرده اند ۳۵۰۰۰ نفر درمداخله تحصیلات متوسطه و عالی بوده و ۵۵۰۰ نفر در مدارس ابتدایی را دیده بوده اند ولی در میان آن ها میسواد نبوده است اگر جوانی در موقع ورود برای انجام خدمت سربازی از تحصیلات خود عقب باشد او را مجبور میکنند که در مدرسه های شبانه به آموزش خود ادامه دهد در نظام تحصیلات بسیاری برای پیش انداختن آموزش و پرورش جوانان میباشند بخصوص در قسنت ها بیکه باستانی اسلحه های مخصوصی بکار رود دقت تربیت داشته ای بسل میآید. باشگاه های متنوع هواپیما و اتومبیل را تو تیر اندازی و غیره زمینه خوبی برای تهیه جوانان بوده و در حقیقت مانند مدرسه ای است که به پرورش آنان کفک شایانی میباشید. طین قانون خدمت سربازی سال ۱۹۳۹ خدمت در تو پخانه دو سال و در بادگان مرزی سه سال و در هواپیما و دفاع کرانه ها چهار سال و در تیروری در بیانی پنج سال تعیین شده است.

## ارتش زمان تراری از ملت جدا

پیش گرفته اند. معاویه هم خود را علیه دین و حافظ اسلام بدم میداد. امروز هم شما سنک دین بسینه می زند حق دارید. ولی تصور میکنید مردم کوته و تصور میکنید قوه تشخیص از آنها سلب شده؟ تصور میکنید آن قدر فراموش کردند که در دو دهه فاصله بیست سال در یک چاه بیفتند؟ خویشخانه حربه شما خیلی کند شده. عوام ترین و بی اطلاع ترین مردم میتد معنی نهضت حسیتی چه بود: بی دانسته حسین ع بر علیه ظلم و ستم و برای مبارزه و عوام فریبی قیام کرد و شخصی گید که شاگردان آن مکتب اخلاقی حسین چه کسانی هستند.

شما برادر ایبه دفاع دکتر ارانی را در معسکه رضاشاهی و در آن دستگه که زهره فرید از آنها آب میشد بخوانید و بگوئید شاگرد مکتب حسین ع او بود یا شا و از باب و مولوی شما.

شما آقای مدیر رعد امروز یقین داشته باشید که با این سلسله ها سی توان مردم را مشتبه ساخت.

همه میداند شما تا چه حد پای بند دین و اسلام هستید. همه متوجهند تا چه حد ازاد تند حضرت سید شهیدان هستید.

متاسفانه بیست سال در خبر شده اید زیرا حربه زنک زده شما آنها با انقضای که دانسگی شما و منجبت عظیم الشانان شده بر ندگی خود را از دست داده است.

سال ها گذشت. همه مردم فلکزده و بدبخت شدن و توی خونه های زیر زمین منزل کردن. چادرو چاقو هم رواج پیدا کرد.

«شمار ملی» کتاب آسوتی شد. شهریار گیسدار هم هر چه پیش تر می شد. ظلمش بیشتر می شد. مردم دو خونه های سوت و کور خود شون که مثل نابوت انواع بدبختی های اونجا بود، مجبور بودن که ببینند و دم زدن توی اطلاق زیر زمینی شهریار گیسدار، این جمله ببط خودش نوشته شده بود: «این است گیفر مردمی که فریب میخورن»

دلیا بهم خورد، منجیبا پیش بینی طوفان کردن، همه دستپاچه شدن کتاب «شمار ملی» بعنوان دعا مرتیا خوانده میشد. ولی طوفان گوش بدبکار نبود. آمد و آمد. و تمام شهر زیر زمینی، یک بام و دو هوا» زوبانه بدبختی هایش برد.

در این موقع اشک از چشم استاد سرازیر شده بود. قلب مردم گرفته بود. استاد ضحک کرد و با کتابچه ای که هنوز در دستش بود از پشت میز خطاب به کتار زود غوغیه گذاشته شده بود افتاد و امواج آب، اون و کتابچه رو با خودش برد. ولی مردم نهیبند، زیرا کیچ شده بودن و ختیکه پووش او بدست هرچه کشتن استاده پیدا نکردن.

شاید آب استاد و کتابچه ره بگشورای دیگری برده و استادان دیگر ای این کتابچه ره برای مردمون دیگر خوانده ان و آنهاهم از اسرار کشور «یک بام و دو هوا» آگاه شده و تبیب کرده ان. شاید مردمون کشور های دیگره هرت گرفته باشن. و بعینه باشی که

**«اینست گیفر مردمی که فریب میخورن»**



### خلاصه اخبار جهان (آژانس پارس)

**ارتش سرخ ژمیریکا، یامبول، یوموشانا، کوتیو را تصرف نمود - ارتش ششم آلمان نابود شد و ۳۶ هزار کشته و ۱۴ هزار اسیر داد - هوا، پیمای متفقین در هر ساعت ۴۰۰ بار بر فراز اروپا پرواز کرده و ۴۴۰ تن بمب می‌ریزند - جنگ شدید در داخل کاسینو ادامه دارد پاسخ دولت فنلاند بهسکو فرستاده شد - آلمان ها در هر روز ۸۰۰ میلیون فرانک از ویش باج می‌گیرند**

**فرمان استالین به مارشال کونیف**  
دیروز که روز هفتم مارس بود نیروهای جبهه دوم اوکراینی شش تنهیب حملات خود شهر و ایستگاه مهم نو و اوکراینا و همچنین مرکز تلافی راه آهن یونوجاریا که دشمن بیک مرکز مهم پایداري تبدیل کرده بود تصرف کردند.

**یونوجاریا در ده میلی جنوب باختری نوو اوکراینا واقع است**  
**خطاب به مارشال ژوکوف**  
نیروهای جبهه اول اوکراینی پس از دو روز زد و خورد بالاخره امروز شهر ژمیریکا را که از الحاظ سون الجیشی حایز اهمیت بود و مرکز راه های آهن میباشد تصرف کردند.

**در شمال خاوری ونیسا ارتش سرخ چند مرکز مقاومت مستحکم را تصرف کرده و در آنجا یونوجاریا و کراسنی سوزن مرکز مقاومت است**  
مهم ژمیریکا را تصرف نمود.  
در منطقه جنوب باختری نیروی سرخ جمله خود ادامه داده و برداشتن در گراه بوده نیشتر حله نوده وشهر یامبول و حد ناحیه دیگر را تصرف کرده اند.

**در آلوده ۰ نیروی جبهه دوم اوکراینی مرکز مهم یوموشانیا را تصرف و در میان هشتاد و نود مسکون دشمن راهی باز کرده و دو جبهه تکلیف بیش از ۱۹۰ قطعه متجمله ایستگاه کوتیو را تصرف نموده - مسکو - نیروهای شوروی در شمال باختری ونیسا از رودخانه بوک عبور کرده اند.**

**ارتش ششم در جبهه سوم اوکراینی پس از ده روز یکباره شدید بالاخره مغلوب و متفرق گردید - سی و شش هزار لش از آنجا به در جبهه بجا گذاشته شده و تقریباً سیزده هزار تن اسیر از دشمن گرفته شده است.**

**پیکار در هوا**  
تین-دیش ۲۵ تدرک از بی افکن های سنگین نیروی انگلیس قبل از زین به از حله بر آلمان باز کشته شد.

**هواپیمای مسکو که بر آلمان و اروپای مرکزی حمله میزند ساعتی ۲۰۰ بار حمله نموده و در هر ساعت بیش از ۲۲۰ تن بمب بر آلمان فرود می‌ریزند**

### اخبار کشور

**پیام به ملت ایران**  
روز دوشنبه ۲۹ اسفند ساعت ۲۱ (۹ بند از ظهر) امیرعلی حضرت شاه بناسبت عید نوروز پیامی خطاب به ملت ایران ایراد خواهند کرد و سپس علی حضرت ملکه نیز بیانوی ایران پیام خواهند فرستاد.

**پرداخت اضافه حقوق در سال جدید**  
در این تفریح که علاوه «سه وادادم» تهیه شده است، چون هزینه زندگی نسبت سابق پایین نیامده و زندگی گران است و حقوق سابق هم تکافی متعارج کارمندان رانی کنه - ضمن لایحه مزبور افزایش حقوق انتصابات دموکرت در ماه بر قرار شده برای سه ماه اول سال ۱۳۲۳ منظور و پرداخت خواهد شد.

**تهیه لایحه**  
آقای برویک مدیر کل کارگرنی لایحه ای برای استفاده تدوین کرده است که پس از تکمیل و تطبیق قانون با استفاده آمریکا مجلسی قدیم کند.

**تعمیر تفریح**  
چنین انتشار دارد که با تصدق تفریحی که از طرف بانک ملی ایران بدولت هندوستان فروخته شده بنامه آن دولت در تهران تحصیل شد.

**بر آفرین و اضافات**  
گفته میشود که افزایش حقوق کارمندان دولت در بودجه سال آینده به بقاد میلیون تومان بر آورده شده است.

**اعتصاب کارگران سیلو**  
در این شب عید و ضیعت کارگران بقدری وقت با ریاست که هیچ چیز مانع از اقدامات جدی آنها نباشد اینک پیرو خبری که مربوط به شکایت کارگران شهر داری رسیده بود، خبر می رسد که کارگران سیلو نیز دست از کار کشیده اند و این دفعه - بطوریکه در پیشی از روز نامه ها نوشته شده - آب بر طبق نازا خانه مرکزی را هم قطع نموده اند که زود تر مصلحتشان در اثر تحت فشار گذاشتن اولیای امور منتج به نتیجه شود. مانتظرم که اولیای امور کاری نکنند که روز بروز آتش غضب کارگران تند تر شود و هر چه زود تر تکلیف اضافات و اضافه کار آنها را معلوم کنند.

**استفای قوام**  
بطوریکه روز نامه «افغانیات» در اختیار کشور خود می نویسد - آقای قوام استاندار جنوب استغفای خود را بوزارت کشور تقدیم کرده است.

**رادیو در روز های عید**  
برای سه روز اول سال، رادیو تهران برنامه مخصوصی تهیه کرده است. در روز های سه شنبه، چهارشنبه و پنجشنبه بخش اول برنامه بجای اینکه از ساعت ۵ تا ۶ شروع شود ساعت هشت صبح شروع خواهد شد و پایان آن ساعت ۱۰ خواهد بود.

**برنامه بخش دوم از ساعت ۱۳ تا ساعت ۱۵ خواهد بود.**  
برنامه بخش سوم مطابق معمول از ساعت ۱۷ و سی دقیقه شروع میشود. روز دوشنبه ۲۹ اسفند هم از ساعت ۱۵ - ۲۰ (هشت و پنج) بعد از ظهر موزیک داشنگده افسری خواهد نواخت.

**مسافرین اهواز شکایت میکنند**  
اخیراً یک نفر از اهواز به تهران آمده و اخبار دیگری را که در باره نامرتب بودن راه آهن اهواز شایع است برای ما تأیید میکند.  
در مقابل ایستگاه اهواز منطقه وسیعی است، که همه جا سفر با بار و اثاثیه خود، تسوی آنتاب، مظل میشوند و باین زود پیا موقت بهرید بلیط نیگردد بطوری که عده زیادی از آنها خرجی خود را تمام کرده اند و عده ای هم سخت بیچار شده اند.  
آنها اظهار می دارند که ما در خارج ایران (که برای زیارتش رفتن بود) همه گونه وسایل ایام و ذهاب در اختیار داشتیم - ولی در ایران ... هشت نفر از این مسافرین

**در ایتالیا**  
ستاد متفقین علیات زمینی - در منطقه کاسینو زرمهای شدیدی ادامه دارد و پیاده نظام و تانکهای ارتش پنجم که جدا از طرف نوبخانه هوایی پشیمانی میشوند متدرجا مقاومت دشمن را در جنوب باختری شهر و مواضع واقع در باختر کاسینو درهم میشکنند.

**علیات هوایی - بنب افکنهای سنگین دست استراتژی با پشتیبانی شکاری های دور و متفقین دیروز بر وین حمله بردند.**

**بنا افکنهای متوسط دسته تا کتیکی نیز بجاده ها و راه آهنهای سیسیا و ایستگاه تفکیک کلاهی متبکسانی حمله نمودند بنب افکنهای سیک ما مواضع توبخانه و مغازن خوار بار و مهبات دشمن را در منطقه فروزین و فرینینو بیابان کردند به هوا بیسای دشمن سر کتون ۶۶ و هوا بیسای مابین ایستگاه خود باز نکنند.**

**هواپیمای متفقین تقریباً ۱۶۰ بار بجمعه برداشته دیروز بر فراز میدان جنگ فقط ۶۰ هواپیمای دشمن مشاهده شد.**

**فیلاند و شوروی**  
دولت فنلاند میل خود را برای ادامه مذاکرات با شوروی ایراد داشته لکن در عین حال خاطر نشان ساخته است که شرایط شوروی غیر قابل قبول می باشد.

**پاسخ دولت فنلاند در روز آدینه باستیکلم رسیده و بیدرنگ سفارت شوروی تسلیم شد تا بسکو فرستاده شود.**

**مترقیه**  
لندن - دولت ویشی تا سی ام ماه ژوئن سال گذشته برای هزینه نگهداری نیروهای متصرف آلمانی مبلغ شصدهشت و شصت و پنج میلیارد فرانک با آلمان پرداخته است.  
در سال ۱۹۴۳ هزینه نگهداری نیروهای متصرف بطور متوسط بروزی هشتصد میلیون فرانک بالغ گردیده است و حال آنکه در سال ۱۹۴۰ هزینه ۲۰۰ بار حمله نموده و در هر ساعت بیش از ۲۲۰ تن بمب بر آلمان فرود می‌ریزند

### چاپخانه توده ایران

مجد زاد

### باید در نظر داشت که این هشت نفر بالاخره با دادن ۱۶۰۰ ریال موفق تهیه بلیط شدند.

ما توجه اولیای مسئول و با این وضع خراب جداً جلب میکنم.

### تاریخ ایران قضاوت خواهد کرد

**تفق آقای دکتر کشاورز در گلوپ حزب توده ایران**  
**اعتبارنامه سید ضیاءالدین چگونه تصویب شد**  
بقیه از شماره قبل

۱ - گفته های دکتر مصدق - آقای دکتر مصدق وکیل اول تهران مردی که مردم ایران او را بر جسته ترین وکیل حقیقی ملت ایران میدانند در طی بیانات خود حقایق ذیل را اظهار و جواب آنها را از سید ضیاء الدین خواست و او هم اغلب این سئوالات را بی جواب گذاشت:

۱ - شما شب سوم حوت (اسفند) ۱۳۹۹ کودتا کردید. شهر تهران را تصرف شدید مردم را توفیق کردید بظنا های مردم و بخت اسباب و اتانیه از آن بردید و سه روز در تهران فعال مایشاه بودید. و روز ششم حوت اسفند شاه با جبار یعنی به از اینکه شما علا قدرت را در دست گرفتید بشما که سید ضیاء الدین هستی حکم ریاست وزرانی داد و تازه ریاست وزرانی یک سلطنت مشروطه بشما اجازه حیس و تمیید کسی را نی داد.

۲ - شما یک روز نامه نویسی بودید چگونه در سلطنتی که این امر سابقه ندارد رئیس الوزرا شدید، اگر کمک خارجی نداشتید در ایران بیست و سه سال قبل بطور مسکن بود شاکودتا کنید.

۳ - شما در بیانه خود لقب فرار داد ۱۹۱۹ را بخود نسبت میدیدید در صورتیکه این فرار داد مدتها بود علنا لغو شده بود و وضیعت بین المللی آرزوی اجازه اجرای آنرا انقباض (زیر ادولت) آمریکا صریحاً طرفدار استقلال ایران بود و در این خصوص بیانه تیزمنتش ساخته بود و از طرف دیگر همسایه شمالی ایران یعنی دولت اتحاد جماهیر شوروی نیز بقول خودتان از امتیازات و کویلتواسیون صرف نظر میکرد و بالاخره یکی از همکارانشان پان میهایم می کردند که را از یاد دادند و خود را نماینده تیب جوان معرفی کردند و خود همکاران خود را عقلی قوام نام گذاشتند ایشان بداند تیب جوان امروز ایران که امید آزادی خواهان بود دوخته است در مجلس معرفی دارد. استادان داشنگاه تهران، جوانان تحصیل کرده که در بجزیره سلطنت و دیکتاتور و رضایت بقیت جانشان با او مبارزه کردند، آبهائی که در رژیم گذشته مصداکری بودند و نقش نایبه عظیم الشان دیروزی ایشان را نشینده اند در مجلس فراوان هستند و تیب جوان احتیاجی بسر برستی ایشان ندارد.

۴ - اما آقای فرمانده نباینده همدان و یکی از آزاد بهر خواهان قدیمی که در دوره رضا شاه از میدان سیاست بر کنار بود در ضمن تظن بسیار منطقی و متین خود گفته های آقای دکتر مصدق را اثبات کرده و گفتند سید ضیاء الدین کیست که بانجام کودتا تن در داد زیرا بنه نفر دیگر این کار تکلیف شد و آنها زیر بار این تک نرفتند. و پس از آن با اشاره ژست ها و حساسه سرانی و اعمال گذشته سید ضیاء الدین اورا امری خطرناک و دیکتاتور دانسته و گفتند ملکات قیله او موازه ندارد یعنی مبتلا بچینون است.

اما گفتار آقای سید ضیاء الدین در این دو جلسه بهمانه سرانی و خود نمائی بیش از هر چیز شباهت داشت نگاه او فقط بشما اشعیا بود نه بنایندگان و بیشتر مطابقت کی رایج بنامان آزادی (که خود او مأمور معائن است) و روابط ایران با دول دیگر و در حاشیه یعنی از سئوالات کفت و سئوالات اصلی را بلا جواب گذاشت. اینک بعضی از گفته های او:

۲۳۵۰۰۰ سال از ایران دور بودم پس از وقایع شهریور دوستانم ا قاضا نموده بایران پیامی که گویا همیشه جوان مرد بودم

پس از مراجعت خیال اینت را نداشتم که وکیل غوم وزیر غوم در ۲۳ سال پیش که رئیس الوزرا بودم فعال مایشاه بودم نفواستم بپانم و گر نمی توانستم بپانم پس از ورود شینده که مرا اهالی بود انتصاب کردند و منب کردم ۱۱ هه ملت ایران تعجب

بقیه در صفحه ۴۴۰



# کارگران، دهقانان، روشنفکران پشیمانان، بر علیه ارتجاع متحد شوید

# بر علیه هرگونه استعمار کشور ایران مبارزه کنید

## تاریخ ایران قضاوت خواهد کرد

پیش از صفحه ۳  
کردند... زیرا یکی نوشته بودم و قاضی  
نکرده بودم و همین آقای سید ضیاء  
الدین در جای دیگر نطق خود گفتند  
کوشش من در انتحاب برای مجلس  
برای این بود که... «مرفوست است»  
که دروغگو کم حافظه است»  
در جای دیگر نطق خود میگوید  
زیرا ۲۴ سال سکوت سکرمم...  
حاضر شدم اسرائیل را فاش کنم که  
مصلح عالی را بخطر اندازد  
۲۴ سال زجر ۲۴ سال تحمل  
کافی بود. آقای دکتر ممدق بزرگترین  
فداکاری من این بود که ۲۴ سال سکوت  
کردم...  
پس از حرکت من مجلس - پیرها  
جوانانها از اوضاع راضی بودند...  
اما از ۳۱۰۰ به بعد وضع بیجانی رسید  
که اگر در پاریس روزنامه فرانسوی  
دو نظریه بر ضد شهریار ایران می نوشت  
فوری روابط خود را قطع میکرد و  
سبیر خود را می خواست چنین مومنی  
چطور میتواند صحبت کند و اگر می  
نوشتم ممکن بود همه بزرگان بیافتند  
پس خدمت کردم  
آقایان حصار سید ضیاء ۲۴ سال  
گردش و زندگی در اروپای خود را  
که بقول خودش مشغول تجارت قالی و  
بازی اسکری در کوهسای فرانسه و  
سویس (شمار ملی) و فروش پیانو و  
مصولات مرموزه خود بود زجر بیانیه  
و سکونت خود را فدا کاری میخواند  
و هدا فراموش میکند که در هیئت  
موقی که ایشان زجر ۱۱ میکشیدند  
مدوسا، ایتالیها، فریخا ها، دکتر  
مصطفی ها، دکتر زیدپسا، دکتر راد  
منش ها و رفقای آزادی رخواه آنها  
بسیاری اینکه سکوت را خیانت بلات  
ایران می دانستند، برای اینکه مبارزه  
با اصول دیکتاتوری زاینده کودتا را  
وظیفه مقدس هر ایرانی با خرافاتی می  
دانستند گفتی هارا گفتند و در زندان  
های رژیم قدری یا جانت شهید را  
فدای ملت ایران کردند و با جوانی و  
سلامت جسمی خود را جا گذاشته در نتیجه  
پیش آمده های بی‌الهی از مرگ ترحمی  
ولی حسی خلاص شدند...  
وقتی دکتر اوانی و رفقای آزادیخواه  
او (۵۳ نفر) که خود سید ضیاء نیز  
در نطق خویش آنانرا جوانان تصیل  
کرده و آزادیخواه و بی گناه نامید  
در کنج زندان همکار قدر ایشان خلاق  
و دست‌بندیانی می‌خوردند و وقتی برخی  
شارح‌بودخته آزادیخواه ایران را تو کسبون  
هوا تریقی می کرده که بپزد  
وقتی مرحوم مدرس بپهلوان مخالفت  
با دیکتاتوری و با صامه میایی که  
حکومت فرزند می پیر ۵۰ است  
نخه میکردند  
وقتی مرحوم سردار اسعد، سردار  
مشروطه ایران را در مجلس شکنجه  
می دادند و اوشح زجر می‌کشیدند  
را نوشته زجر بود پیش من و قاضی تورات  
خود پنهان کرده بقضا و قدر می-  
سپرد  
بالاخره وقتی که مرحوم دکتور  
ارانی آن فرزند خلف و رشید وفادار  
کار ایران را در حبس مجرد، دوسرما  
زستان در اطاق مرطوبی که مستراح  
آن در خود او بود و تا کس آن  
فارج روییده بود شکنجه میدادند و از  
تمام لباس او فقط یک زیر شلوار برایش  
گذاشته وقتی کتفهای او را هم که  
بچپا در زیر سر می گذاشت تا شاید  
ساعت خواب راحت برود از او گرفته  
و او را جدا مینالا به تیوس کرده با  
بی دواتی و بی فدائی کشند آقای  
سید ضیاء الدین هم زجر می کشیدند

انگستان دموکرات امروز،  
انگستان مشهور آتلانتیک، انگلستان  
کنفرانس تهران، انگلستانی که برای  
حفظ دموکراسی و آزادی ملت  
چند ماه بیکه و تنها زیر بسب های آلمان  
فاشیت ایستاد و قدم نکرده و مردانه  
مقاومت نمود در نظرماملت ایران مستر  
است و غیر از انگلستان ۱۹۱۹ است.  
هرملتی حق دارد دولتهای یگانه  
را مطابق مصالح وطن خود قضاوت  
کند.  
دولت اتحاد جماهیر شوروی  
که در جنگ کنونی بر علیه رژیم فاشیسم  
و دیکتاتوری فداکاری غیر قابل تصویری  
می کند، اتحاد جماهیر شوروی استالین  
کزاد، و سبستوپول و مسکو و قفقاز که  
چنگ بر علیه دشمنان آزادی بشر را از  
رشادت و مردانگی صادی گذرانده و  
مورد تکریم و احترام تمام قیته کان  
آزادی ملت قرار گرفته است در نظر  
ما ملت ایران مستر است.  
ملت امریکا که همیشه طالب آزادی  
ملت ایران بوده و اکنون نیز ملت  
در نظر ما ملت ایران مستر است.  
این صورت تعیین ندارد، آقای سید  
ضیاء الدین که «امروز این مجلس  
و این روزنامه هابه بیان با متفقین را  
تجدید کند» کینه در جلی دیگر نطق خود  
سید ضیاء الدین گفت «هرچه در ایران  
امروز دیده میشود مولود کودتاست»  
ما هم جز این چیزی نمی گویم و هارا  
آقای سید ضیاء الدین که در مجلس خویش  
در عامل و انجام دهنده کودتا معرفی  
کردید مشغول جنابا بیست ساله اخیر  
میدانیم. جنابای که چند صد جلد کتاب  
برای شرح آن کفی نتوانند بدهند  
چنانچای که در این بیست سال بقدر صد  
سال ایران را از قافله تمدن و ترقی  
طب انداخته.  
در آخر سید ضیاء الدین در آخر  
نطق خود تهدید کرد و گفت رد اجبار  
نامه تن سکن است بنیان تمام تشکیلات  
بعد از کودتا را متزلزل کند و دول  
خارجی حق خواهند داشت که در رسیت  
سلطنت ایران تردید کنند.  
به بنیاد این شخص ما را جو چه  
کوه هنوز اعتبارنامه نگرفته بافدورات  
ایران بازی می کند و پیغود در وقت  
مسئله داخلی ایران، در رد یا قبول  
اجبار نامه یک و کیل تحبیلی پای دول  
بیگانه را بیدان می کشد.  
غلامه سید ضیاء الدین و طرفدارانش  
قدری ضد و قبیض صحبت کردند و  
نوشته که نکاهی نطق آنان نشان  
می دهد که کودتای ۱۲۹۹ را سید ضیاء  
الدین با مرجه مقاماتی و برای چه منظوری  
انجام داد.  
اما برای اینکه ثابت شود که تصویب  
اجبار نامه سید ضیاء الدین از طرف  
مجلس چهاردم مطابق موازین قانونی  
انجام نیافته است کافی است یادآوری  
شود که بوجب قانون انتحابات یکی  
از علی که خصص را از انتحاب شدن  
بوکالت مجلس شورای ملی معزوم می  
کند «قیام بر علیه حکومت مشروطه است  
است» و سید ضیاء الدین را در مجلس  
چهارم قیام کنند بر علیه حکومت  
ملی و کودتای او را قیام بر علیه  
حکومت ملی و مشروطیت تعیین داده  
شدن در اجبار نامه آقای سلطان محمد  
خان عامری و عدل الملک که همکاران  
او بودند مشار الیه را محکوم کرده  
است.  
اینکه راپورت ضیاء دوم مجلس  
شورای ملی مورخ ۱۷ شهر ذیحجه  
۱۳۳۹ و مجلس شورای ملی راجع به  
نباید که آقای سلطان محمد خان  
ضیاء دوم بنوعیه انتحابات نالین  
و مضافاش رسیدگی نموده و برای  
استحضار مجلس شورای ملی عرض می  
نماید که انتحابات نالین و مضافاش  
موافق قانون مجل آمده و حکایتی  
اعتراض هم از اول تا بحال نرسیده  
شده دوم صحت انتحابات سلطان محمد  
خان نالین را از حوزه انتحابیه نالین  
و نشاطات آن تعیین شده

## تنگرانی از شهوار

## باز هم فریاد مردم از مامورین نظام وظیفه

مجلس شورای ملی رونوشت رهبر - طبقه سه باز گیری  
شهرستان شهوار را با اطلاع مرسایم: بعد از وقایع شهریور ۳۳۰  
حوزه نظام وظیفه این شهرستان منحل شده بود اینک مدتی است دائر  
شده و فعلا با وضع عجیبی مشغول جمع آوری مسمولین شده  
اند تاکنون چندین ماشین بمرکز فرستاده شده با وضع پریشانی  
مردم این سامان این سرعت در جمع آوری نظام وظیفه سابقه  
نداشته اگر بهمین وضع ادامه پیدا نماید تصور نمیرود که  
نصف این شهرستان بتواند امور کشاورزی خود را انجام دهند  
بنابر این از مقامات عالی استدعا داریم مقرر فرمایند نوعی  
سرباز گرفته شود که هم بتوانیم خدمت وظیفه خود را انجام  
دهیم وهم امور کشاورزی ما بکلی متلاشی نشود. از طرف  
کشاورزان شهرستان شهرضا محمد کسبیل عبدالمفتاح احمد  
رحمانی عباس گبیری حسین طلائی ساسانی محمد مصدق علی  
اوسط گبیری محمد باقر نسیمی سید جعفر مومنی محمد موسوی  
محمود فولادی سید محمد کلانتریان محمد تقی احمدیان  
غلامعلی روقی محمد سامانی محمود منتظری علی اصغر منتظری ناصر  
فاش سید مهدی سهرابی سید محمد

## پرداخت فوق العاده بدهی آب وهوا

وزارت دارائی رونوشت آقای  
دکتر یلسیو رونوشت روزنامه رهبر  
صطف به آیین نامه شماره ۱۹۰۵۶  
۲۲۸۱۰۶ هیت وزیران موضوع  
درجه ۲ داشته بیشتر بایست مورد توجه  
دولت قرار گیرد نه اینکه باالکس  
نامش در عداد فرهای پرنست و قاط  
خوش آب وهوا ویلاقی مانند (ساری  
آمل لاهیجان رود سر و بل-تید وغیره)  
ذکر کرده و در نتیجه زحمت و  
گرفتاریهای گوناگون و دادن تلفات  
بیشار که در سایه اقامت چالوس برای  
ما رخ داده بکلی از نظر اولیاء مصر  
شده و از حقوق خه خود معزوم مابین  
لدا قاضا مینایم بشکایت ما توجه  
نموده مقرر فرمایند چنانچه جزو درجه  
۲ قرار نکرده لا اقل جزء درجه ۳  
نوشتر دارای فوق العاده بدهی آب و هوا که  
اینها برایش مقرر نکرده بود مقرر  
نالی ذکر نشده است.  
اگر به آمار مرشا و تلفات و  
گرفتاری روسا و پزشکهای بهداشتی

## دیدار اعضای پیکار

اعضای حزب پیکار برای دیدار عید روز پنجمین سوم فروردین از  
سه ساعت بند ازظهر در باشگاه حزب اجتماع خواهند داشت.  
کینه شهرستان تهران

## انتقال اداره رهبر

اداره روزنامه رهبر از محل سابق بمیانباغ ژاله منزل شخصی مرحوم  
سلیمان مجسن اسکندی، در محل چاپخانه «توده ایران»، انتقال یافته است.  
شماره تلفن: ۴۳۱۱  
۷-۳

## اما بطوریکه پوشیده نیست مشارالیه

در کابینه سید مامون و در قیام اقدام  
بر ضد حکومت ملی شریک بوده است.  
اگر شرکت او قبل از انتحاب می بود  
موافق شرط نهم قانون انتحابات از حق  
انتحابات معزوم میگردد ولی چون  
شرکت مشار الیه بعد از خاتمه انتحابات  
بوده لذا ضمه دوم رای قطعی را در  
این موضوع منوط به تعیین مجلس می  
دانم. «سید محمد تدین»  
بطوری که ملاحظه می شود سلطان  
محمد خان بعد از انتحاب و صحیح بودن  
جریان انتحابات، بناسبت توضیح تشکیل  
مجلس، فرست بافت که در کابینه سید  
سید ضیاء مامون بشود و بهمین مناسبت  
شبه مربوطه از او بطریق اولی رئیس  
الوزراء اوسید ضیاء را معزوم کرد  
رای قطعی را بجلس چهارم واگذار  
کرد. در این مجلس تیور تاش ست  
نبایدگی داشت و راجع به کودتا  
چنین گفت «من تصور نمی کنم که  
حیثیت ملت ایران و حیثیت مجلس تصور  
شورای ملی اجازه بدهد که بازوی راست  
سید ضیاء الدین در این مجلس دارای ترسی  
بشود» اغلب گفته صحیح است که  
بله من گفتن بازوی راست سید ضیاء ولی  
بازوی چپ زینرا بازوی راست او  
ایستیکان اوسنی بود...  
سید ضیاء الدین هشت کرور  
دارائی ملکت را تقریب کرد...  
الته سید ضیاء متصرف بود به اراده  
غیر... در همان جلسه مرحوم  
مدرس چنین گفت:  
«البته آقایان و کلاهی معزوم را  
از هر جهت بیخبر میدانم و خودم را  
مستظور نسبت به آقای سلطان محمد  
خان می فرس میدانم بجهت اینکه  
ایشان را بپزله اولاد خود میدانم...  
هر کس شیعه و شکیده داشته باشد که این  
و خشیات که پیش آمد وضیاتی بود  
که بدست یک ایرانی نبود دنیا او را  
تکذیب می کند و تمام دنیا هم باید  
او را تکذیب کنند یک دوستی همیشه  
ما دوست او بودیم و بعد ما خواهیم  
بود که از همسایگان ماست و هیچوقت  
اوانتفاع بریدیم یک بیترقی بدست کسی  
داد که بر ضد اساس ملکت و استقلال  
ملکت و مشروطیت و سلطنت اقدام  
کند...  
اما یک کودتای بر خلاف مجلس  
بر خلاف قانون اساسی، بر خلاف مایه  
قانون اساسی که قرآن باشد خداوند  
می فرماید لاتغفلوا الیهود و النصارى  
اولیاء»  
البته در این صورت این دوست  
من نباید راضی بشود که در این مجلس  
باشد تا بعد از این صوم مردم بداند  
کسی که این اقدام را میکند از این  
حق واز بودن در این اساس ملی معزوم  
است...  
سلطان محمد خان غیر از سلطان  
محمد خان شش ماه پیش است که باهم  
دوست بودیم و جدا میگویم سلطان  
محمد خان سید ضیاء تکیه خودش را بجای  
دیگر داد و ملت ایران او را نابوساخت  
شا هم مثل همان اگر تصکی تان را  
بجای دیگر کرده اید انشاءالله الرحمن  
این ملت و همین و کلاهی که می بینید  
که بنظر شما نیاید انشاءالله شاراهم  
نیست و نابود خواهند کرد...  
سلطان محمد خان نامی عدل  
الملک و سلطان محمد خان عامری به  
مناسبت همکاری با سید ضیاء الدین که  
مقدم بر علیه حکومت ملی شناخته شد  
از طرف مجلس چهارم رد گردید.  
از صورت مجلسهای دوره چهارم  
استنسخ شده و چند روز قبل عین آن  
در روزنامه مردم چاپ شده است.  
رای مجلس چهارم دالر بر  
حکومت سید ضیاء الدین دو حکم  
قانون است.  
بنابر این اجنظرات انتحابات  
بر هیات مسئولان شرایضا انتحاب شده کان

نی شود.  
با مطالبی که گفته شد نباید گوی  
سید ضیاء الدین در مجلس چهاردم  
از لحاظ حقوقی و قضایی رسیت  
ندارد.  
وقایع عزیز - وطن ما امروز  
دقایق بسیار باریک و خطر ناکى را  
می گذراند.  
هنوز تشکیلات آزدیخواهی و  
دموکراسی در ایران پایه محکمی  
نگرفته ارتجاع برای معو وطن عزیز  
ما و ملیت و آزادی ما یکی از خطرناک  
ترین نوکران خورا مامور کرده است.  
امروز باید تمام آزادیخواهان  
ایران اختلافات جزئی و بیگانه را کنار  
گذاشته دست بدست شده و این  
ازدهای مهیب را چنان منکوب کنند  
که دیگر کسی بفر خیانت به میهن  
و ملت خود نباشد فقط آرزوی ایران  
مال ایرانی است و بدست ایرانی  
اداره خواهد شد باید آرزوی  
زنده باد تمام آزادیخواهان ایران

پس از حرکت من مجلس - پیرها  
جوانانها از اوضاع راضی بودند...  
اما از ۳۱۰۰ به بعد وضع بیجانی رسید  
که اگر در پاریس روزنامه فرانسوی  
دو نظریه بر ضد شهریار ایران می نوشت  
فوری روابط خود را قطع میکرد و  
سبیر خود را می خواست چنین مومنی  
چطور میتواند صحبت کند و اگر می  
نوشتم ممکن بود همه بزرگان بیافتند  
پس خدمت کردم  
آقایان حصار سید ضیاء ۲۴ سال  
گردش و زندگی در اروپای خود را  
که بقول خودش مشغول تجارت قالی و  
بازی اسکری در کوهسای فرانسه و  
سویس (شمار ملی) و فروش پیانو و  
مصولات مرموزه خود بود زجر بیانیه  
و سکونت خود را فدا کاری میخواند  
و هدا فراموش میکند که در هیئت  
موقی که ایشان زجر ۱۱ میکشیدند  
مدوسا، ایتالیها، فریخا ها، دکتر  
مصطفی ها، دکتر زیدپسا، دکتر راد  
منش ها و رفقای آزادی رخواه آنها  
بسیاری اینکه سکوت را خیانت بلات  
ایران می دانستند، برای اینکه مبارزه  
با اصول دیکتاتوری زاینده کودتا را  
وظیفه مقدس هر ایرانی با خرافاتی می  
دانستند گفتی هارا گفتند و در زندان  
های رژیم قدری یا جانت شهید را  
فدای ملت ایران کردند و با جوانی و  
سلامت جسمی خود را جا گذاشته در نتیجه  
پیش آمده های بی‌الهی از مرگ ترحمی  
ولی حسی خلاص شدند...  
وقتی دکتر اوانی و رفقای آزادیخواه  
او (۵۳ نفر) که خود سید ضیاء نیز  
در نطق خویش آنانرا جوانان تصیل  
کرده و آزادیخواه و بی گناه نامید  
در کنج زندان همکار قدر ایشان خلاق  
و دست‌بندیانی می‌خوردند و وقتی برخی  
شارح‌بودخته آزادیخواه ایران را تو کسبون  
هوا تریقی می کرده که بپزد  
وقتی مرحوم مدرس بپهلوان مخالفت  
با دیکتاتوری و با صامه میایی که  
حکومت فرزند می پیر ۵۰ است  
نخه میکردند  
وقتی مرحوم سردار اسعد، سردار  
مشروطه ایران را در مجلس شکنجه  
می دادند و اوشح زجر می‌کشیدند  
را نوشته زجر بود پیش من و قاضی تورات  
خود پنهان کرده بقضا و قدر می-  
سپرد  
بالاخره وقتی که مرحوم دکتور  
ارانی آن فرزند خلف و رشید وفادار  
کار ایران را در حبس مجرد، دوسرما  
زستان در اطاق مرطوبی که مستراح  
آن در خود او بود و تا کس آن  
فارج روییده بود شکنجه میدادند و از  
تمام لباس او فقط یک زیر شلوار برایش  
گذاشته وقتی کتفهای او را هم که  
بچپا در زیر سر می گذاشت تا شاید  
ساعت خواب راحت برود از او گرفته  
و او را جدا مینالا به تیوس کرده با  
بی دواتی و بی فدائی کشند آقای  
سید ضیاء الدین هم زجر می کشیدند